

شاخص سازی سلامت انسان در فرآیند طراحی الگوی اسلامی پیشرفت

عبدالله صادقی^۱

چکیده

انسان در عالمی زندگی می کند که روابط آن به صورت شبکه ای است. حیات انسان در شبکه هستی معنادار است و قلمرو سلامت او نیز در همین مقیاس معنادار می شود. روابط شبکه ای انسان در چهار محور ارتباط با خود، هم نوع، محیط و ماوراء تعریف شده است. برنامه الگوی پیشرفت باید منجر به سلامت سازی انسان گردد. تحقق سلامت انسان در الگوی اسلامی پیشرفت با شاخصه ها معین می گردد و بدست آوردن شاخصه ها نقطه شروع برنامه حرکت الگوی پیشرفت است. مسئله این نوشتار شاخصه های انسان سالم براساس گزاره های دینی است و رویکرد بنیادی در تحقیق بکار گرفته شده است. روش جمع - آوری اطلاعات کتابخانه ای و متکی بر متون دینی است. شاخصه های سلامت انسان در مقیاس شبکه هستی و براساس روابط چهارگانه انسان پیشنهاد شده است. شاخصه های سلامت در محور ارتباط با خود مواردی مانند علم و آگاهی به شبکه هستی، تفکر منطقی و عقلانی، فعال و پرتلاش بودن، در ارتباط با هم نوعان؛ بردباری، فروتنی، بخشندگی پایدار، خیرخواهی، در ارتباط با محیط؛ استفاده حداقلی از منابع، همگانی سازی استفاده از امکانات، پرهیز از استخراج بی رویه منابع و در نهایت در ارتباط با ماوراء؛ پایبندی و رعایت حقوق، حفظ حدود الهی، احساس سپاسگزاری در برابر بخشش ها و موارد دیگر پیشنهاد شده است.

واژه های کلیدی: شبکه هستی، روابط چهارگانه، انسان، سلامت، شاخصه های انسان سالم

۱. مقدمه

در هر جامعه ای موضوعات "استراتژیک" در زندگی انسانها وجود دارد. موضوعات "استراتژیک" موضوعاتی هستند که بدون ملاحظه موقعیت آنها نمی توان استمرار زندگی را انتظار داشت. سلامت انسان از این دسته موضوعات است. در برنامه سیستم های جامعه و تمدن سالم سازی انسان اولویت نخست محسوب می شود.

از سوی دیگر، هر برنامه ریزی متکی بر شناخت وضعیت موجود و وضعیت مطلوب است تا بر اساس شناخت فاصله موجود بین این موقعیت ها برنامه تغییر و حرکت بسوی وضعیت مطلوب را طراحی کنند. راه رسیدن به وضعیت مطلوب و دانستن اینکه به وضعیت مطلوب رسیده ایم یا تعیین میزان فاصله رسیدن به وضعیت مطلوب، با شناخت شاخصه ها مشخص می گردد.

با توجه به این که در موضوعات استراتژیک نمی توان از شیوه آزمون و خطا استفاده کرد و تدریجا به یک برنامه مناسب رسید، استفاده از یک پشتوانه علمی بدون خطا، امری واضح و روشن است. به همین منظور برای بدست آوردن

^۱ دانش پژوه دکتری فلسفه اسلامی جامعه المصطفی العالمیه و پژوهشگر موسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام،

abdollah.sadeqi@gmail.com.

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دومین وبسایت و سومین خردادماه ۱۳۹۸

شاخصه‌های انسان سالم از منابع دین کمک گرفته‌ایم و ایده خود را از گزاره‌های دینی اقتباس نموده‌ایم. بنابراین در جستجوی انجام شده در گزاره‌های دینی، یک گزاره جامع به‌عنوان روایت محوری انتخاب و معیار قرار گرفت و براساس آن و به کمک سایر گزاره‌های دینی شاخصه‌های سلامت با اقتباس از نظر دین ارائه گردد. از آنجایی که انسان و سالم‌سازی آن محور تولید مدل‌ها و تدوین الگوهاست. پس نقطه شروع طراحی الگو و تولید مدل، شناسایی شاخصه‌های سلامت انسان و طراحی مدل و الگو برای تحقق آنهاست.

۲. مفهوم‌شناسی انسان

در تعریف انسان دو رویکرد کلی وجود دارد. نخست رویکرد مادی‌گرایانه و دیگری رویکرد جامع‌گرایانه.

در رویکرد مادی‌گرایانه جنبه‌های فیزیکی، حسی و ذهنی انسان بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد و جنبه روحی-نفسی انسان یا مورد انکار است یا به آن توجه نمی‌شود.

«نظر متداول غربی کمال انسان را در جنبه مادی می‌داند و کمال انسان را در قدرتمندی و نیرومندی و تسلط بر طبیعت و انسانهای دیگر تلقی می‌کند و تکامل داروینی هم بر همین اساس است. از این رو دنبال «علم تجربی» را گرفتند، علمی که بهتر برای انسان ابزار باشد، بدین ترتیب تمدن و صنعت و ... را پیش بردند (برگرفته از: مطهری، ۱۳۵۷، ص ۸۰-۸۱)»

این نظر مورد پذیرش همگان قرار نگرفته است، زیرا این نوع نگرش به انسان، نگاه کامل و دقیقی نیست.

«ماسینیون در کتاب انسان کامل در اسلام می‌نویسد که انسان کامل میراث هلنی نیست یعنی یونانی نیست. فلسفه یونان درباره انسان کامل حرفی ندارد و بحثی نکرده است (مطهری، ۱۳۵۷، ص ۷۲)»
آموزه‌های دینی هم به انسان هشدار می‌دهند که زندگی منحصر در جهان مادی نیست. «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ (۷)». تعبیر قرآن درباره خود فراموشی انسان «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنسَاهُمْ» حشر: ۱۹ بیان می‌دارد که منظور فراموشی خود مادی (بعد حیوانی) نیست، بلکه خود انسانی را فراموش کرده‌اند (برگرفته از: جوادی‌آملی، ۱۳۸۴، ص ۱۶۶).

بنابراین انسان موجودی تک‌بعدی نیست، بلکه انسان موجودی چندبعدی یا شبکه‌ای است (۱). انسان شبکه‌ای، یعنی انسان در شبکه‌هستی که با کلیه عناصر درونی خودش، عناصر محیطی، عناصر هم‌نوعش، عناصر فوقانی و علل ماورایی و نیروهای مثبت و منفی جاری در عالم، مرتبط است و فعالیت‌های او برآیند نیروهایی است که بر او وارد می‌شود و نیروهایی که او وارد می‌کند.

بنابراین هویتی که برای انسان قابل ترسیم است، «حی متأله» بودن است. «جنس» انسان «حی» است که جامع حیات گیاهی، حیوانی و انسانی است و معادل «حیوان ناطق» قرار دارد و فصل آن «تأله» است که به جنبه الهی انسان اشاره دارد (برگرفته از: جوادی‌آملی، ۱۳۸۴، ص ۱۴۹-۱۵۰).

هشتمین کنگرس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

روابط چهارگانه:

انسان جزئی از اجزاء شبکه هستی و موجودی محوری در عالم هستی و با همه موجودات عالم ارتباط دارد. براساس روایت اصول المعاملات «قَالَ الصَّادِقُ عَ أُصُولُ الْمُعَامَلَاتِ تَقَعُ عَلَى أَرْبَعَةٍ أَوْجُهُ (جعفر بن محمد، ۱۴۰۰ق، ص ۵-۶)»، انسان روابط چهارگانه‌ای در عالم هستی دارد:

• ارتباط انسان با خود (جسمانی-بدنی، جنبه فکری-ذهنی و قلب-روح)

• ارتباط با هم‌نوع (خانواده، نزدیکان، همسایگان، همکاران، ...)

• ارتباط با دنیا (زمین، آسمان، آب‌ها، جنگل‌ها و مراتع، حیوانات، ...)

• ارتباط با ماوراء (فرشتگان، مجردات، برزخ، قیامت، ...)

۳. انسان سالم

انسان موجودی پیچیده و دارای ابعاد و لایه‌های متعدد است. و سلامتی تنها منحصر به بعد جسمانی و فیزیکی انسان نیست بلکه با تمام ابعاد انسان مرتبط است (۲).

سلامت بدنی:

وضعیت و حالتی که در آن بدن فاقد هرگونه عیب، نقصان، درد و مریضی باشد و اعضاء و جوارحش بصورت طبیعی فعالیت داشته باشد. اگر بخواهیم در یک جمله بیان کنیم، آثار مورد انتظار از بدن بوسیله اعضاء و جوارح ظهور و بروز داشته باشد. مثلاً اکسیژن یکی از نیازهای اساسی بدن است که از طریق فرآیند تنفس تأمین می‌گردد. دهان و بینی ورودی و شش پردازشگر سیستم تنفس است. بدن سالم بدنی است که عملیات رساندن اکسیژن را به همه اعضاء بدن را بصورت منظم و متعادل انجام دهد. به همین ترتیب هریک از اعضاء وظایف خود بدرستی انجام دهند. در این صورتی که همه اعضاء نقش خود را بدرستی انجام می‌دهند بدن سلامت دارد. یعنی:

• وضعیت طبیعی بدن پایدار باشد:

پایداری وضعیت طبیعی بدن یعنی وضعیتی که بدن انسان به صورت طبیعی فعالیت‌های خود انجام می‌دهد. شاهد این مثال در داستان حضرت ابراهیم نهفته است. زمانیکه فرعون قصد آسیب رساندن به حضرت ابراهیم را داشت. از جانب خدا فرمان رسید: «يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَ سَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ. انبیاء: ۶۹». یعنی حفظ وضعیت طبیعی انسان که در آن حالت بصورت عادی با آن زندگی می‌کند.

• توانایی درمان و دفع آسیب‌ها را دارد:

مؤلفه دیگر سلامت بدن، دور کردن آسیب‌های ظاهری همانند: عیب‌ها، آفات، جراحات‌ها، دردها، امراض‌ها، شکستگی‌ها، ضعف‌ها، ... است.

هشتمین کنگرس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

«أَنَّه قَالَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع بَشَّرْتُ شَيْعَتَكَ وَ مُجَبِّكَ بِخِصَالٍ ... وَ الثَّامِنَةُ الْأَمْنُ مِنَ الْبَرَصِ وَ الْجُدَامِ (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲۷، ص ۱۶۲)»

بنابراین انسان سالم از لحاظ جسمی (بدنی)، انسانی است که وضعیت بدنی او در حالت تعادل طبیعی قرار دارد و فاقد هرگونه مریضی، عیب، درد و نقصی است و اگر وضعیت غیرطبیعی در بدن ایجاد شود یعنی بدن با مریضی، درد و عیب با آسیب مواجه گردد، انسان توان و قابلیت رفع و دفع آسیبها را داشته و می تواند از وضعیت عدم تعادل بدن را و به وضعیت متعادل برساند. این انسان اعضاء و جوارحش بصورت طبیعی فعالیت دارد. و اگر بدن دچار امراض و دردها و جراحات شده باشد توانایی ترمیم و درمان آنها را داشته و بتواند بدن را به وضعیت نرمال و طبیعی خود بازگرداند. به صورتی که همان توانمندی های قبلی را خود را بدست آورد.

سلامت عقلی و ذهنی:

یکی دیگر از مؤلفه های که باید در ویژگی های انسان سالم در نظر داشت، سلامت فکری و عقلی است. عقل و فکر سالم یعنی قدرت تحلیل، تعقل و تفکر عمیق و دقیق نسبت به عالم هستی را داشته باشد و بتواند روابط موجود در عالم هستی را کشف نماید و براساس کشف روابط در عالم هستی مسیر حرکت خود در شبکه هستی را تعیین نماید. برفرض اگر با استدلال و دلیل عقل و ذهن به این باور برسد که جهان بصورت شبکه ای است. بنابراین روش تفکر انسان، تفکر شبکه ای خواهد شد و روش تفکر شبکه ای، روش تصمیم گیری شبکه ای را در پی خواهد داشت. بنابراین انسان سالم از نظر ذهنی-عقلی روش تفکر و تصمیم سازی او شبکه هستی می شود و برنامه ریزی زندگی را در سطح کلان شبکه هستی انجام می دهد نه در سطح خرد مادی و دنیایی.

سلامت قلبی (دل):

سلامتی مفهوم عامی است که به معنای دور بودن از آفات ظاهری و باطنی. دور بودن آسیب های باطنی پایه اولیه سلامت قلبی است. آسیب های باطنی در نگاه مادی به آسیب های روحی و روانی مانند استرس، فشارهای عصبی ... گفته می شود. این نگاه درستی است اما نگاه کاملی نیست. زیرا انسان یک موجود فیزیکی و مادی نیست و ارتباطات او در جهان مادی خلاصه نمی گردد. بنابراین آسیب های باطنی انسان گستره وسیعتری دارد. در گزاره های دینی آسیب های باطنی اعم از آسیب های روحی و روانی است و مواردی مانند شک، حسد، کفر، نفاق را دربردارد.

«روح پاک، روحی است که از وابستگی به دنیا و آلودگی به شرک، کفر، نفاق، تکبر و همه ی امراض قلبی پاک باشد و چون خداوند درباره ی منافقان می فرماید: «فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ» پس قلب سلیم، قلب مؤمن است (قرائتی، ۱۳۸۸، ذیل شعراء: ۸). سلم: (مثل فلس) و سلامت و سلام یعنی کنار بودن از آفات ظاهری و باطنی. مثل «إِذْ جَاءَ رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ». صفات: ۸۴». که در سلامت باطن است. قلب سلیم آنست که از شک و حسد و کفر و غیره سالم و کنار باشد ... و معنی السَّلام الذی هو مصدر سَلَّمْتُ أنه دعاء للإنسان بأن يَسَلَّمَ من الآفات في دینه و نفسه، ... و قوله تعالى: إِذَا مَنُ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ، أَى سلیم من الکفر... (لسان العرب، ج ۱۲، ص ۲۸۹-۲۹۳) و سمیت الجنة دار السلام، لأن سكانها سالمون من كل آفة (مجمع البحرين، ج ۶، ص ۸۳)»

بنابراین انسان سالم یعنی انسانی که:

هشتمین کنگره‌س الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران‌ها، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

(۱) بدنی سالم و صحیح دارد.

(۲) تفکرات و باورهای عقلانی و منطقی دارد.

(۳) دارای قلب و روحی آرام است.

«در آیه «الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ» انفطار: ۷. بنظرم مراد از سَوَّاكَ سلامت اعضاء و گذاشتن هر عضو در موضع خود و مستوی الخلقه بودن و از «عدلک» تناسب اعضاء است (قرشی، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۳۵۷)».

۴. شاخصه‌های انسان سالم

به‌صورت معمول شاخصه و ماهیت سلامتی که از آن بحث و گفتگو می‌شود، به ابعادی از سلامت انسان توجه شده است که دربردارنده حیات طبیعی انسان است. یعنی از زمان تولد تا مرگ انسان در دنیا. حال سوال این مطرح می‌گردد که سلامت در نگاه اسلام به چه معناست؟ آیا در گزاره‌های دینی هم سلامت محدود به همین چارچوب حیات طبیعی است؟ و یا اینکه برای سلامت انسان قلمرو و چارچوبی دیگر معرفی می‌شود.

قلمرو سلامت انسان:

تعاریف مطرح شده قلمرو سلامت را در همین سرزمین خاکی تعریف می‌نمایند. این نوع نگاه در پارادایم‌های مادی‌گرایانه منطقی است. چرا که در این پارادایم‌ها زندگی، تعریف و محدوده‌ای جز همین زندگی مادی و خاکی ندارد و به لحاظ تصور مادی‌گرایانه از زندگی انسان، سخنی کاملاً درست و منطقی است. اما اگر نوع نگاه یا به اصطلاح پارادایم (نظام فکری) خود را براساس آموزه‌های ادیان الهی و اسلام طرح‌ریزی نماییم، نگاهی متفاوت به جهان در انتظار تصورات انسان خواهد بود. و جهان شبکه‌ای از روابط و عالم‌های متعدد است که جهان مادی بخش از آن را تشکیل می‌دهد.

قلمرو سلامت انسان وابستگی به قلمرو حیات انسان دارد. قلمرو حیات انسان تا هر جایی گسترش داشته باشد باید قلمرو سلامت انسان را نیز گسترش داد. گزاره‌های دینی، زندگی اصلی انسان را در حیات طبیعی منحصر نمی‌داند «هُوَ الَّذِي أَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ...» (حج: ۶۶، بقره: ۲۸) اما نه به این معنا که اصلاً جزء زندگی انسان‌ها نباشد، بلکه به‌عنوان دوره و جزئی از حیات انسان است.

«وَتَطْنُونَ إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا» (اسراء: ۱۷، ۵۲) ... به هر حال از دیدگاه قرآن مسلم است که مجموع حیات دنیا و برزخ، بخش بسیار ناچیزی از مجموعه حیات انسان را تشکیل می‌دهد (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۲، ج ۵، ص ۴۷۷)»
گزاره‌های دینی شبکه‌هستی را قلمرو حیات انسان معرفی می‌کند، زیرا ابعاد وجودی و روابط انسان در شبکه‌هستی ترسیم شده است. بنابراین اسلام قلمرو حیات انسان را شبکه‌هستی معرفی می‌کند و به تبع آن قلمرو سلامت انسان نیز همان گستره خواهد بود.

محور سلامت:

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

گزاره‌های دین اسلام فرآیند تغییر نگاه از جهان کوچک مادی فناپذیر به جهانی به وسعت بینهایت را به ارمغان آورده است و در انسان تغییر زاویه دید از نگاه جزئی صرف به نگاه جزئی همراه کلی را بوجود می‌آورد. در موضوع سلامت هم چنین نگاهی در گزاره‌های دینی مطرح است. با جستجو در منابع روایت متعددی پیرامون موضوع بدست آمد. از میان این روایت، یک روایت راهبردی که حاکم بر سایرین است به‌عنوان روایت محوری انتخاب گردید (۳).

«قَالَ الصَّادِقُ عَ أَصُولُ الْمُعَامَلَاتِ تَقَعُ عَلَى أَرْبَعَةٍ أَوْجِهٍ مُعَامَلَةُ اللَّهِ وَ مُعَامَلَةُ النَّفْسِ وَ مُعَامَلَةُ الْخَلْقِ وَ مُعَامَلَةُ الدُّنْيَا وَ كُلُّ وَجْهِ مِنْهَا مُنْقَسِمٌ عَلَى سَبْعَةِ أَرْكَانٍ أَمَّا أَصُولُ مُعَامَلَةِ اللَّهِ تَعَالَى فَسَبْعَةُ أَشْيَاءٍ أَدَاءُ حَقِّهِ وَ حِفْظُ حَدِّهِ وَ شُكْرُ عَطَائِهِ وَ الرِّضَا بِقَضَائِهِ وَ الصَّبْرُ عَلَى بَلَائِهِ وَ تَعْظِيمُ حُرْمَتِهِ وَ الشُّوقُ إِلَيْهِ وَ أَصُولُ مُعَامَلَةِ النَّفْسِ سَبْعَةُ الْخَوْفِ وَ الْجَهْدُ وَ حَمْلُ الْأَذَى وَ الرِّيَاضَةُ وَ طَلَبُ الصَّدَقِ وَ الْإِخْلَاصُ وَ إِخْرَاجُهَا مِنْ مَحْبُوبِهَا وَ رِبْطُهَا فِي الْفَقْرِ وَ أَصُولُ مُعَامَلَةِ الْخَلْقِ سَبْعَةُ الْجَلْمِ وَ الْعَفْوِ وَ التَّوَاضُّعِ وَ السَّخَاءِ وَ الشَّفَقَةِ وَ النَّصْحِ وَ الْعَدْلِ وَ الْإِنصَافِ وَ أَصُولُ مُعَامَلَةِ الدُّنْيَا سَبْعَةُ الرِّضَا بِالذُّونِ وَ الْإِيتَارِ بِالْمَوْجُودِ وَ تَرْكُ طَلَبِ الْمَفْقُودِ وَ بُغْضُ الْكُثْرَةِ وَ اخْتِيَارُ الزُّهْدِ وَ مَعْرِفَةُ آفَاتِهَا وَ رَفْضُ شَهَوَاتِهَا مَعَ رَفْضِ الرَّئَاسَةِ فَإِذَا حَصَلَتْ هَذِهِ الْخِصَالُ فِي نَفْسٍ وَاحِدَةٍ فَهِيَ مِنْ خَاصَّةِ اللَّهِ وَ عِبَادِهِ الْمُقْرَبِينَ وَ أَوْلِيَائِهِ حَقًّا (جعفر بن محمد) امام صادق عليه السلام، (۴۰۰ق، ص ۵-۶)»

این روایت بیان می‌دارد: انسان محور هستی است و انسان ارتباطات گوناگونی دارد. روابط انسان با ابعاد وجودی خود (جسمانی-بدنی، جنبه فکری-ذهنی و قلب-روح)، با هم‌نوعان (خانواده، نزدیکان، همسایگان، همکاران، ...)، محیط حیوانات، زمین، هوا، جنگل‌ها و مراتع، ... و ماوراء (فرشتگان، مجردات، برزخ، قیامت، ...) که تمام گستره زندگی انسان را تحت پوشش قرار می‌دهد. بنابراین محورهای سلامتی نیز به معطوف به این روابط انسان خواهند شد و انسانی سالم خوانده می‌شود که رابطه‌ی سالمی با محورها و روابط شبکه‌هستی داشته باشد. سلامتی این روابط از شاخصه‌های برخوردار است که در ذیل به آنها اشاره خواهد داشت:

۵. شاخصه‌های سلامت انسان با خود

شاخصه‌های سلامتی انسان در ارتباط با خود در موارد زیر پیشنهاد می‌گردد:

- علم و آگاهی به شبکه‌هستی:

انسان سالم علم و آگاهی او محدود به امور مادی و محسوس نیست، بلکه علم و آگاهی را در وسعت شبکه‌هستی مدنظر دارد و نقشه‌راه علمی خود را در مقیاس کلان شبکه‌هستی طراحی می‌کند. بنابراین انسان سالم نسبت به علم و آگاهی، نگاهی جزئی همراه کلی در مقیاس کلان هستی دارد یا همان علم و آگاهی شبکه‌ای. پس انسان سالم آگاهی خویش را محدود در امور جزئی محسوس مادی نمی‌کند. زیرا این امور محدود، فناپذیر و موقتی به‌شمار می‌روند و انسان موجودی بی‌نهایت طلب است.

- تفکر منطقی و عقلانی:

هیچ نیازی از نیازهای انسان اهمیت و ضرورتش بیشتر از عقلانیت نیست. و همین عقلانیت شاخص تمایز انسان از سایر جانداران و انسان سالم از ناسالم دانسته شده است «... لَا فِقْرَ أَشَدُّ مِنَ الْجَهْلِ وَ لَا عُدْمَ أَشَدُّ مِنَ الْعَقْلِ...»

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

(بروجردی، ۱۳۸۶، ج ۲۲، ص ۲۴۰) و از طرف دیگر هیچ رفتاری پسندیده‌تر از عقلانیت و تفکر برای کشف حقیقت در سیستم دین توصیه نشده است.

«وَأَلَّا عِبَادَةً كَالْتَّفَكُّرِ فِي صَنْعَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۸۸)»

واژه عبد به معنای پیروی و متابعت کردن است. در روایت توصیف بهترین نوع عبادت را بیان می‌کند که آن را حصر در تفکر نموده است؛ یعنی پیروی از عقل و منطق. بنابراین انسان سالم در فرآیند کشف واقعیت و حقیقت فقط از روش منطقی و عقلانی پیروی می‌کند و براساس روش منطقی و عقلانی در مورد پذیرش و عدم پذیرش واقعیت و حقیقت پدیده‌ای اقدام می‌کند.

• فعال و پرتلاش (الجهد):

تلاش و کوشش (جهد) برای برقراری تعادل بین نیازهای بدنی، فکری و روحی انسان، در راستای تنظیم برآیند حرکت انسان بسوی اتصال به بینهایت.

• محاسبه‌گری (الخوف):

ایجاد احساس هشدار در انسان نسبت به اموری که زمینه آسیب‌رسانی و بحران‌سازی در انسان را بوجود می‌آورند و انسان را بصورت مستمر آماده مقابله با بروز آسیب‌ها و بحران‌ها می‌کند.

• مقاومت و پایدار در برابر مشکلات و سختی‌ها (حمل الاذی و الریاضة):

بالا بردن قدرت تحمل سختی‌ها و مشکلات و توانمند ساختن برای مقابله با آنها.

• حقیقت‌جو (طلب الصدق):

صدق یعنی راستی و مطابق واقع بودن است. انسان سالم خود را با واقعیت هماهنگ می‌کند و براساس واقعیت سخن می‌گوید و عمل می‌کند و از توهّم و کذب دوری می‌کند.

• راست عملی (الاخلاص):

انسان در انجام کارها و فعالیت‌ها خلوص (انجام انحصاری عمل برای کارفرما) را مدنظر دارد، و اهتمام و تمرکز کافی را در انجام کارها براساس خواسته کارفرما و دقت در پدید آمدن آثار مورد انتظار کارها و فعالیت‌ها اعمال می‌نماید.

• پرهیز از منفعت طلبی شخصی (اخراجها من محبوبها):

دور داشتن نفس از لذّات و خواهش‌های که منفعت شخصی را جلب و زمینه آسیب را برای سایرین فراهم می‌کند.

• بکارگیری فهم دقیق و عمیق (ربطها فی الفقه):

انسان سالم فهم عمیق و دقیق برای شناخت پدیده‌ها بکار می‌برد تا کمترین هزینه و بیشترین منفعت را برای همه موجودات عالم هستی به ارمغان آورد.

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

• اعتدال و میان‌روی (الْقَصْدُ فِي الْجِدَّةِ):

اعتدال و میان‌روی در امور مربوط به بدن، ذهن و روح و برقرار تعادل بین لایه‌های وجود انسان.

• کنترل احساسات (صبر):

صبر مهارت تصمیم‌گیری و کنترل احساسات است و در هنگام مواجهه با وضعیت بحرانی، مشکلات، فشارهای روحی - روانی، برای انسان قدرت تصمیم‌گیری درست و براساس واقعیات و با فرآیند منطقی را فراهم می‌آورد. زیرا در روایت زیر صبر صفتی است که باعث ورود انسان به بهشت می‌گردد. داخل بهشت شدن نتیجه فرآیند تصمیم‌گیری درست در شبکه‌هستی است. بنابراین این صفت حاکی از سالم بودن انسان یا تکامل (شدت وجودی) اوست. زیرا بهشت مکانی است که از لحاظ رتبه و شدت وجودی از عالم مادی و برزخ برتر است. و تا انسان به درجه و مرتبه‌ای از وجود نرسد توان ورود به آن مکان را ندارد.

«قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ جَمَعَ اللَّهُ الْخَلَائِقَ ... فَيَقُولُ أَيُّنَ أَهْلِ الصَّبْرِ قَالَ فَيَقُومُ عُقُوبًا مِنَ النَّاسِ فَتَسْتَقْبِلُهُمْ زُمْرَةٌ مِنَ الْمَلَائِكَةِ فَيَقُولُونَ لَهُمْ مَا كَانَ صَبْرَكُمْ هَذَا الَّذِي صَبَرْتُمْ فَيَقُولُونَ صَبَرْنَا أَنْفُسَنَا عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ وَ صَبَرْنَا عَنْ مَعْصِيَتِهِ قَالَ فَيُنَادِي مُنَادٍ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ صَدَقَ عِبَادِي خَلُّوا سَبِيلَهُمْ لِيَدْخُلُوا الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ ... (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۱، ص ۳۹۲)»

۶. شاخصه‌های سلامت در ارتباط با هم‌نوع

یکی از روایت‌های راهبردی در این حوزه فرمایش حضرت علی علیه‌السلام است. ایشان توصیه به مدارا با مردم می‌نمایند و می‌فرمایند که با همه دوست مهربان باشید و با آنان مدارا نمایید، زیرا همه انسان‌ها دو دسته‌اند. یا آنان برادر دینی شما هستند و یا در سیستم آفرینش مثل شما هستند. بنابراین نسبت به همه آن‌ها رفتار مهربانه و بدور از خشونت داشته باشید. یعنی نفی تفکر راسیسم (نژاد پرستی)^۲، آپارتاید (نژاد پرستی)^۳، الیتیسیم (خود برتر بینی و نخبه‌گرایی)^۴ و هر آنچه تمایز رفتاری بین انسان‌ها بوجود آورد.

«وَ أَشْعُرُ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَ الْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَ اللَّطْفَ بِهِمْ وَ لَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِيًا تَغْتَنِمُ أَكْلَهُمْ فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ إِذَا أَحَ لَكَ فِي الدِّينِ وَ إِذَا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ يَفْرُطُ مِنْهُمْ الزَّلْلُ وَ تَعْرِضُ لَهُمُ الْعِلْلُ وَ يُؤْتِي عَلَى أَيْدِيهِمْ فِي الْعَمْدِ وَ الْخَطَا فَأَعْطِهِمْ مِنْ عَفْوِكَ وَ صَفْحِكَ مِثْلَ الَّذِي تُحِبُّ وَ تَرْضَى أَنْ يُعْطِيكَ اللَّهُ مِنْ عَفْوِهِ وَ صَفْحِهِ (سیدرضی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۲۷-۴۲۸) (۴)»

این‌گونه ارتباط انسان با دیگران شاخصه‌های دارد و براساس روایت محوری مقاله در موارد زیر قابل پیشنهاد است:

«و اصول معامله‌ی الخلق سبعة، الحلم، و العفو، و التواضع، و السخاء، و الشفقة، و التصح، و العدل و الانصاف (او الانصاف)»

• بردباری و قدرت تحمل در برابر دیگران (الحلم):

۲ Racism
۳ Apartheid
۴ Elitism

هشتمین کتفراس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

حلم یک احساس درونی است که انسان در هنگام صدور ناملازمات از دیگران حالات خشم و غضب را با آن فرو می‌نشاند، و در مقام انتقام از دیگر بر نمی‌آید. و با نرم‌خویی از آنها عبور می‌کند. «إِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا». (فرقان: ۶۵)

- بخشش (العفو فی المَقْدَرَة):

در زمان توانمندی، نیرومندی و ثروتمندی به هم‌نوعان فرصت دادن و به تعبیر دیگر چشم‌پوشی کردن از خطاها نه جرم‌ها (جرم با خطا تفاوت دارد).

- فروتنی (التواضع):

انسان سالم با فروتنی و تواضع با مردم برخورد می‌کند و از کبر و عجب دوری می‌کند.

- بخشندگی پایدار (السَّخَاء):

قَالَ خِيَارُكُمْ سَمَخَاؤُكُمْ (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۷، ص ۳۰۷). براساس این فقره از روایت افراد برگزیده و شایسته، بخشنده‌ترین افراد هستند. در مقابل بدترین افراد را کسانی که برشمارده که نسبت به دیگران بخل بروزند و سعی و تلاشی در برطرف کردن نیازمندی‌های دیگران را ندارند «و شِرَارُكُمْ بَخَلَاؤُكُمْ (همان)».

«لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ (آل عمران: ۹۲)»

قید پایدار بودن از تعبیر " يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَ الضَّرَّاءِ " بدست می‌آید. زیرا بخشش در همه حالات از صفات نیکوکاران دانسته شده است. الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ الْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَ الْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (آل عمران: ۱۳۴). و دست یافتن به بر و نیکی متکی بر صرف نظر از منفعت و علاقه‌های شخصی و کمک به هم‌نوعان برای برطرف کردن نیازهای آنهاست.

«وَ فُقَرَاءِ الْمُسْلِمِينَ أَشْرِكُوهُمْ فِي مَعِيشَتِكُمْ وَ الْجِهَادِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۵۲۲)» و فرآیند کمک‌رسانی و بخشش اموال نخست باید با هدف و انگیزه سالم باشد (آتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ) و کمک‌رسانی و بخشش سلسله مراتب دارد. ابتدا به نزدیکان (ذَوَى الْقُرْبَى)، ایتم (الْأَيْتَامِ)، فقیرانی که توانایی تأمین حداقل مایحتاج خود را ندارند (الْمَسَاكِينِ)، در راه مانده‌ها (ابْنِ السَّبِيلِ) و کسانی که کمک به آنها زمینه آگاه شدن به حقیقت را در آنها فراهم می‌آورد (السَّائِلِينَ وَ فِي الرِّقَابِ).

«لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُولُوا وَجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ وَ لَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ الْكِتَابِ وَ النَّبِيِّينَ وَ آتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوَى الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنَ السَّبِيلِ وَ السَّائِلِينَ وَ فِي الرِّقَابِ وَ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ آتَى الزَّكَاةَ وَ الْمُؤْمِنُونَ بَعْدَهُمْ إِذَا عَاهَدُوا وَ الصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ حِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ (البقرة: ۱۷۷)»

- لطافت و نرمی (الشَّفَقَة):

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دومین و سومین خردادماه ۱۳۹۸

انسان سالم، انسانی است که با همه انسانها مهربان است و از خشونت، عداوت، کینه و بغض نسبت به دیگران پرهیز می‌نماید.

- خیرخواهی (النصح):

وقتی انسان دیگران را به‌عنوان برادر یا به‌عنوان موجود شبیه خود دانست، هر آنچه را که برای خود خوب می‌داند، همان چیزی‌ها را برای دیگران نیز خوب می‌داند و تلاش برای برآوردن آنها برای خود و دیگران دارد.

- عدالت (العدل):

تعریف مشهور عدالت، قراردادن هر چیزی در جایگاهش. البته قراردادن هر چیزی در جایگاه منظور در شبکه‌هستی است. براین اساس عدالتی که مدنظر است عدالت شبکه‌ای است. انسان سالم عدالت شبکه‌ای را در نظر دارد (رک: درگاه اینترنتی موسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام)

- برقراری مساوات و تقسیم به اندازه (الانصاف):

- ارتباط پایدار (همیشگی) با نزدیکان (الصَّلَّة):

«قَالَ كَانَ أَكْثَرًا مَا كَانَ يُوصِينَا بِهِ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَ الْبِرِّ وَالصَّلَّةَ (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص ۳۷۸) وَقَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) الْمَعْرُوفُ شَيْءٌ سِوَى الزَّكَاةِ فَتَقَرَّبُوا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِالْبِرِّ وَصِلَةِ الرَّحِمِ (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۷، ص ۳۷۰)»
توصیه فراوان و ابزارهای مؤثر اتصال به بینهایت (خداوند) "بر" و "صله" دانسته شده است. و این تأکیدات نشان دهنده اهمیت و ضرورت این اوصاف برای رسیدن به سلامت، تعادل و تکامل انسان است.

- کمک‌رسانی:

«وَمِنْ صَالِحِ الْأَعْمَالِ الْبِرُّ بِالْإِخْوَانِ وَالسَّعْيُ فِي حَوَائِجِهِمْ (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۹، ص ۴۳۰)»
از بهینه‌ترین کارهای که در اجتماع نیاز است، توانمند ساختن هموعان و تلاش برای برطرف‌سازی نیازمندی و کمبودهای آنان به گونه‌ای که آن افراد بصورت مستقل امورات خود را انجام دهند. فرآیند توانمندسازی باید همیشگی (پایدار) باشد و در همه شرایط انجام گیرد (هُمُ الْبَارُونَ بِالْإِخْوَانِ فِي الْعُسْرِ وَالْيُسْرِ ... (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۷، ص ۳۰۸).

- مدارا با هموعان (وَالرَّفْقُ بِعِبَادِ اللَّهِ):

«وَالرَّفْقُ بِعِبَادِ اللَّهِ وَ مَا رَفَقَ أَحَدٌ بِأَحَدٍ فِي الدُّنْيَا إِلَّا رَفَقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَرَأْسُ الْحِكْمِ مَخَافَةُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص ۱۶۳)»
تعابیر متعددی دیگری نیز بر اهمیت مدارا در گزاره‌های دینی وارد شده است:

«ثَلَاثٌ مَنْ لَمْ يَكُنْ فِيهِ لَمْ يَتِمَّ لَهُ عَمَلٌ ... وَ خُلُقٌ يُدَارِي بِهِ النَّاسَ ... جَاءَ جَبْرَيْلُ عَ إِلَى النَّبِيِّ ص فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ رَبُّكَ يُقْرِنُكَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ لَكَ دَارَ خَلْقِي. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَمْرُنِي رَبِّي بِمُدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا أَمَرَنِي بِأَدَاءِ الْفَرَائِضِ. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مُدَارَاةُ النَّاسِ نِصْفُ الْإِيمَانِ وَ الرَّفْقُ بِهِمْ نِصْفُ الْعَيْشِ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۱۶-۱۱۸)»

هشتمین کنگره علمی اسلامی ایرانی شرف؛ الگوی پیشرفت؛ پشیمان‌ها، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

• حسن خلق و حیا:

«... الثَّالِثَةُ الْحَيَاءُ وَ الرَّابِعَةُ حُسْنُ الْخُلُقِ... (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۵۱)»

حیا رابطه حداقلی است که انسان‌ها هنگام ارتباط با سایرین دارند. در این حالت نحوه رفتار فرد بگونه‌ای است که در سایرین احساس ناخوشایندی ایجاد نمی‌شود. و حسن خلق، شاخص حداکثری در ارتباط با هم‌نوع است. که در این سطح نحوه برخورد فرد با سایرین بگونه‌ای است که اشتیاق و علاقه‌مندی به استمرار رابطه را در سایر افراد ایجاد می‌کند.

• محبت و عشق‌ورزی:

انسان سالم، انسانی است که احساس محبت و عشق‌ورزی در وجود او وجود دارد و می‌تواند آن احساس روحی-روانی خود را ابراز کند. بالاترین وجودی که می‌توان نسبت به آن احساس عشق‌ورزی و محبت را ابراز داشت، خداوند است که بالاترین مرتبه کمال وجودی را دارد. مراتب بعد از آن به ترتیب وجودهای که دارای کمالات کمتری نسبت به خداوند هستند سلسله موجودهایی را شکل می‌دهند که می‌توان ابراز محبت و عشق‌ورزی را نسبت به آنها داشت.

۷. شاخصه‌های سلامت در ارتباط با دنیا (محیط اطراف)

ارتباط با دنیا از جمله روابطی است که پیرامون آن بحث و گفتگوی فراوانی وجود دارد. این رابطه بخاطر تأثیرات محسوسی که دارد بیشتر مورد توجه واقع می‌شود. برخلاف تصور برخی که کارکرد دین را منحصر به امور اخروی دانسته‌اند، گزاره‌های دینی توجه فراوانی به رابطه انسان با دنیا داشته‌اند (۵). در گزاره زیر سه نوع ارتباطی که انسان-ها با دنیا برقرار می‌نمایند بیان شده است:

«قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُولُ أُمَّتِي فِي الدُّنْيَا عَلَى ثَلَاثَةِ أَطْبَاقٍ أَمَا الطَّبَقُ الْأَوَّلُ فَلَا يُحِبُّونَ جَمْعَ الْمَالِ وَ ادَّخَارَهُ وَ لَا يَسْعَوْنَ فِي اقْتِنَائِهِ وَ احْتِكَارِهِ وَ إِنَّمَا رِضَاهُمْ مِنَ الدُّنْيَا سَدُّ جُوعَةٍ وَ سَتْرُ عَوْرَةٍ وَ غِنَاهُمْ مِنْهَا مَا بَلَغَ بِهِمُ الْآخِرَةَ فَأَوْلِيكَ الْأَمْنُونَ الَّذِينَ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَخْزَنُونَ وَ أَمَا الطَّبَقُ الثَّانِي فَيُحِبُّونَ جَمْعَ الْمَالِ مِنْ أَطْيَبِ وُجُوهِهِ وَ أَحْسَنِ سُبُلِهِ يَصِلُونَ بِهِ أَرْحَامَهُمْ وَ يَبْرُونَ بِهِ إِخْوَانَهُمْ وَ يُوَسِّونَ بِهِ فُقَرَاءَهُمْ وَ لَعَضُّ^۵ أَحَدِهِمْ عَلَى الرَّصْفِ^۶ أَيْسَرُ عَلَيْهِ مِنْ أَنْ يَكْتَسِبَ دَرَاهِمًا مِنْ غَيْرِ حِلِّهِ أَوْ يَمْنَعَهُ مِنْ حَقِّهِ أَوْ يَكُونَ لَهُ خَازِنًا إِلَى يَوْمِ مَوْتِهِ فَأَوْلِيكَ الَّذِينَ إِنْ نُوقِشَ عَنْهُمْ عَذَّبُوا وَ إِنْ غَفِيَ عَنْهُمْ سَلِمُوا وَ أَمَا الطَّبَقُ الثَّلَاثُ فَيُحِبُّونَ جَمْعَ الْمَالِ مِمَّا حَلَّ وَ حَرَّمَ وَ مَنَعَهُ مِمَّا افْتَرَضَ وَ وَجَبَ إِنْ أَنْفَقُوهُ أَنْفَقُوا إِسْرَافًا وَ بَدَارًا وَ إِنْ أَمْسَكُوهُ أَمْسَكُوا بُحْلًا وَ احْتِكَارًا أَوْلِيكَ الَّذِينَ مَلَكَتِ الدُّنْيَا زَمَامَ قُلُوبِهِمْ حَتَّى أوردَتْهُمْ النَّارَ يَذْنُوبُونَ (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۳، ص ۱۸)»

^۵ غَضٌّ: غَضًا وَ غَضِيضًا [غَضَ] هُ: أَوْ رَا بِا دَنْدَانِ كَازِ غَرَفْتِ. - هُ الرِّمَانُ: زَمَانُهُ بَرَاوِ سَخْتِ شَد. - الشِّيءُ هُ: أَمْرًا چَنگِ زَدِ وَ گَرَفْتِ.

^۶ رَصْفٌ: سَنگِ دَاغِ وَ آتَشِينِ؛ «هُوَ عَلَي الرَّصْفِ»: أَوْ سَرگِشْتِه وَ نَگَرَانِ اسْت. - (ع ۱): اسْتِخْوَانِهَایِ گَرْدِ وَ مَتَحَرِّکِ مَانَدِ انگِشْتَانِ کِه دَر کَاسِهیِ زَانویِ انْسانِ اسْت.

هشتمین کنگره‌س الگوی اسلامی ایرانی شرف؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیت و دوم و سوم خردادماه ۱۳۹۸

در میان این سه رابطه، یک رابطه مطلوب و سالم بوده است و دو رابطه دیگر روابط ناسالمی است که انسان‌ها باید از آنها پرهیز نمایند. شاخصه‌های رابطه سالم با دنیا بدست آمده از روایت به موارد زیر قابل پیشنهاد است:

«و اصول معاملۀ الدنیا سبعة، الرضا بالدون، و الايثار بالموجود، و ترك طلب المفقود، و بغض الكثرة، و اختيار الزهد، و معرفة آفاتها، و رفض شهواتها، مع رفض الرياسة، فاذا حصلت هذه الخصال بحقها في نفس، فهو من خاصة الله تعالى، و عباده المقربين، و اوليائه حقاً»
براساس این فقره از روایت اصول المعاملات، شاخصه‌های زیر قابل پیشنهاد است:

- استفاده حداقلی از منابع محیط (الرضا بالدون):
به اندک از دنیا راضی بودن و در پی بسیار نبودن (شهیدثانی، ۱۳۷۷، ص ۶۰۶-۶۰۷).
 - همگانی‌سازی استفاده از امکانات (الايثار بالموجود):
آنچه باشد از دنیا، صرف کردن و به مصارف خیر رساندن و به اهل حاجت و فقر مدد و اعانت کردن (همان).
 - ترک آرزوی‌های دست نیافتنی (ترك طلب المفقود):
آنچه نباشد طلب نکردن و در پی او نرفتن، و عمر عزیز که سرمایه تحصیل کمالات است، در تحصیل او نباختن و به قدر ضرورت راضی شدن (همان).
 - پرهیز از استخراج بی‌رویه منابع (بغض الكثرة):
مال بسیار و اقبال دنیا را مبعوض داشتن، و ادبار او را دوست داشتن، و به قلیل او اکتفا نمودن، و شکر الهی بجا آوردن (همان).
 - عدم وابستگی و تعلق به امور دنیایی (اختيار الزهد):
به زهد و ترک دنیا و لذات دنیا، رغبت داشتن و از حرام و شبهه مجتنب بودن (همان).
 - شناسایی و برنامه مقابله با بحران‌ها و آسیب‌ها (معرفة آفاتها):
انسان سالم از آفات دنیا و مهالک آن غافل نیست. و برای جلوگیری و در امان ماندن از آنها برنامه‌ریزی می‌کند.
 - پاکسازی ذهن و نفس از دلبستگی به لذت‌های مادی (رفض شهواتها، مع رفض الرياسة):
طبق مضمون: «کن ذنباً و لا تکن راساً» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۵، ص ۳۱۲)، دنبال ریاست نرفتن و ترک ریاست و مقامات و مناصب دنیوی نمودن. (شهیدثانی، ۱۳۷۷، ص ۶۰۷)
- تمام موارد فوق را می‌توان تحت شاخص راهبردی کفاف (۶) قرار داد.
- «قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص طُوبَى لِمَنْ أَسْلَمَ وَ كَانَ عَيْشُهُ كَفَافاً» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۱۴۰)

۸. شاخصه‌های سلامت در ارتباط با ماوراء

شاید پیچیده‌ترین ارتباط انسان، همین ارتباط با ماوراء باشد. زیرا راه ارتباطی انسان با ماوراء روح انسان است. و روح پر راز و رمزترین لایه وجودی انسان محسوب می‌شود: «وَ يَسْئَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا. اسراء: ۸۵». و ما اطلاعات اندکی درباره آن داریم. و از طرفی قوام، پایداری و حیات انسان وابستگی به روح دارد (رک: طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، صص ۲۸۰-۲۸۳). و سالم‌سازی رابطه انسان با خود، هم‌نوع و دنیا زمینه‌ساز برقراری رابطه مستمر و پایدار نفس با ماوراء است.

«انسان دارای تطوراتی گوناگون و درجات و مراحل است مختلف، روزی جنین، روزی کودک، زمانی جوان و زمانی پیر می‌شود و پس از آن در عالم برزخ ادامه حیات می‌دهد، و روزی در قیامت و پس از آن در بهشت و یا در دوزخ بسر می‌برد ... به مقتضای آیه کریمه "وَ أَنْ إِلَى رَبِّكَ الْمُنْتَهَى (نجم: ۴۲)" قرب به ساحت مقدس باری تعالی است ... پس طریق آدمی بسوی پروردگارش همان نفس اوست، و خدای سبحان غایت و هدف و منتهای سیر اوست (باندکی تصرف: طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۶، صص ۲۴۳-۲۴۴)»

و آموزه‌های ادیان الهی، برنامه اتصال انسان‌ها با آن عالم پایدار و ابدی است. پس حیات پایدار و بدور از آسیب و بحران مربوط به جهان آخرت است. بنابراین حداقل انسان سالم، انسانی است که توانایی سالم‌سازی روابط با خود، هم‌نوعان و محیط را داشته باشد. اما انسان زمانی از سلامت کامل برخوردار خواهد شد که علاوه بر سالم‌سازی روابط گذشته، رابطه سالمی نیز با ماوراء برقرار نماید. شاخصه‌های سلامت انسان در رابطه با ماوراء براساس روایت راهبردی مقاله در موارد زیر قابل پیشنهاد است:

«اما اصول معامله الله فبسبب اشياء، اداء حقه، و حفظ حده، و شکر عطائه، و الرضا بقضائه، و الصبر علی بلائه، و تعظیم حرمته، و الشوق إليه».

• پایبندی و رعایت حقوق (اداء حقه):

یکی از روابط انسان با ماوراء، حقوقی است که انسان‌ها نسبت به ماوراء دارند و باید این حقوق را ادا کنند. این حقوق عبودیت نسبت به پروردگار است که در قالب برپایی نماز و روزه و حج و جهاد و سایر حقوق تعریف شده است.

• حفظ حدود الهی (حفظ حده):

یکی دیگر از روابط انسان با ماوراء حفظ حدود الهی و تجاوز نکردن از حدود است، و از افراط و تفریط پرهیز کردن و مایل شدن به عدل و میانه‌روی است. یعنی مرزهای را که برای انسان تعیین شده را رعایت کند.

• احساس سپاسگزاری در برابر بخشش‌ها (شکر عطائه):

انسان سالم در مقابل بخشش‌ها و کمک‌های که به او می‌گردد، حس سپاسگزاری را دارد و نسبت به عطاء و بخشش واکنش مثبتی داشته و شاکر خواهد بود.

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

- احساس پذیرش و رضایت نسبت به اتفاقات در ساختار نظام هستی (الرضا بقضائه):
راضی بودن به قضای الهی و رضا دادن و گردن تسلیم نهادن به اموراتی مانند فقر و غنا و صحت و مرض و سایر احوالاتی که در زندگی برای انسان رخ داده است.
- احساس آرامش نسبت وقایع ناگوار خارج از اختیار در شبکه هستی (الصبر علی بلائه):
صبر کردن بر بلاها و شداید، و سختی‌ها را به خود گوارا کردن و جزع، گلایه و شکوه نمودن. به تعبیر دیگر بکارگیری مهارت تصمیم‌گیری و کنترل احساسات در هنگام بروز بحران‌ها و آسیب‌ها است.
- پرهیز از نقض قوانین الهی (تعظیم حرمته):
بزرگ داشتن حرمت الهی، و در جمیع حالات، بزرگی و عظمت او را متذکر بودن.
- تلاش برای اتصال به بینهایت (الشوق إلیه):
شوق لقای الهی داشتن، و آرزومند لقای رحمت او بودن (گیلانی، ۱۳۷۷، ص ۵۹۸). انسان سالم، برنامه زندگی و مسیر حرکت خود را در شبکه هستی بسوی اتصال بینهایت (خداوند) تنظیم می‌کند.

۹. نتیجه

هر مدل و الگوی اسلامی پیشرفتی برای ارتقاء کیفیت زندگی انسان برنامه‌زیری می‌کند. و با توجه به این‌که روابط ساختار عالم هستی به صورت شبکه‌ای است و زندگی انسان در چهار چوب این روابط شبکه‌هستی تعریف شده است. لازم به نظر می‌رسد که برنامه‌های سلامت انسان که در مرکز مدل‌ها و الگوهای اسلامی پیشرفت قرار دارد، لازم است سلامت شبکه‌ای را مدنظر داشته باشد. لازمه رسیدن به سلامت شبکه‌ای انسان در الگوی اسلامی پیشرفت، طراحی و تدوین برنامه سلامت‌ساز روابط چهارگانه انسان در شبکه هستی است. نایده گرفتن و کم توجهی نسبت به هر یک از روابط انسان یا توجه به یک یا چند رابطه و فراموشی روابط دیگر منجر به ناکامی الگوی پیشنهادی پیشرفت خواهد گردید. زیرا تمام تلاش‌ها و برنامه‌های هر مدل و الگوی پیشرفتی باید با محوریت انسان باشد. و این انسان است که سازنده مدل‌هاست و باید منابع آن نیز برای انسان و محیط پیرامون آن باشد.

فهرست منابع

- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۶۲ش). الخصال. محقق/ مصحح: علی‌اکبر غفاری. چاپ اول. قم: جامعه مدرسین.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۰۳ق). معانی الأخبار. محقق/ مصحح: علی‌اکبر غفاری. چاپ اول. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۱۳ق). من لا یحضره الفقیه. محقق / مصحح: علی‌اکبر غفاری. چاپ دوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

هشتمین کنگره علمی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیت و دوم و بیت و سوم خردادماه ۱۳۹۸

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ / ۱۳۶۳ق). تحف العقول. محقق / مصحح: علی اکبر غفاری. چاپ دوم. قم: جامعه مدرسین.

اتابکی، پرویز. (۱۳۹۰). فرهنگ جامع کاربردی فرزانه عربی-فارسی. تهران: نشر فروزان روز.

احمدی میانجی، علی. (۱۴۲۶ق). مکاتیب الأئمة عليهم السلام. محقق / مصحح: مجتبی فرجی. چاپ اول. قم: دار الحدیث.

اربلی، علی بن عیسی. (۱۳۸۱ق). کشف الغمّة فی معرفة الأئمة (ط-القديمة). محقق / مصحح: رسولی محلاتی. سید هاشم. چاپ اول. تبریز: بنی هاشمی.

امام صادق (علیه السلام). (۱۳۷۷). مصباح الشریعة. ترجمه عبد الرزاق گیلانی. چاپ اول. تهران: پیام حق.

بدیع الزمان ابو عبدالله حسین بن ابراهیم بن احمد معروف به ادیب نطنزی. (۱۳۸۴). دستور اللغه (کتاب الخلاص)، تصحیح: علی اردلان. تهران: به نشر.

بروجردی، آقاسین. (۱۳۸۶). جامع احادیث الشیعة (للبروجردی). چاپ اول. تهران: انتشارات فرهنگ سبز.

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۴). تفسیر انسان به انسان. تحقیق و تنظیم: محمدحسین الهی زاده. قم: اسراء.

حسنی باقرانی، طلعت. مهدوی راد. محمد علی. (۱۳۹۰). منظومه باورهای بنیادین انسان سالم از دیدگاه قرآن. فلسفه دین. سال هشتم. شماره یازدهم. صفحات ۱۶۱-۱۸۸.

حکیمی، اخوان. (۱۳۸۰). الحیة. ترجمه: احمد آرام. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

دیلمی، حسن بن محمد. (۱۳۷۶). إرشاد القلوب. ترجمه: سیدعباس طباطبایی. چاپ پنجم. قم: جامعه مدرسین.

دیلمی، حسن بن محمد. (۱۴۰۸ق). أعلام الدین فی صفات المؤمنین. چاپ اول. قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن. چاپ اول. بیروت: دار القلم-الدار الشامیة.

سیدرضی، محمد بن حسین. (۱۴۱۴ق). نهج البلاغة. چاپ اول. قم: هجرت.

سیدرضی، محمد بن حسین. (۱۳۷۹ش). نهج البلاغة. ترجمه: محمد دشتی. چاپ اول. قم: مشهور.

شریف الرضی، محمد بن حسین. (۱۳۷۸ش). نهج البلاغة. مترجم: جعفر شهیدی. چاپ چهاردهم. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

شهیدثانی، زین الدین بن علی. (۱۳۷۷). شرح مصباح الشریعة. ترجمه عبدالرزاق گیلانی. محقق / مصحح: آقا جمال خوانساری. چاپ اول. محمد بن حسین. تهران: پیام حق.

شیخ حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعة. چاپ اول. قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام

طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر المیزان. چاپ پنجم. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.

ششمین کنگره‌س الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیت و دوم و بیت و سوم خردادماه ۱۳۹۸

- طوسی، محمد بن الحسن. (۱۴۱۴ق). الأمالی (للطوسی). چاپ اول. قم: دار الثقافة.
- فراهیدی، خلیل بن أحمد. (۱۴۰۹ق). کتاب العین. نوبت چاپ: دوم. قم: نشر هجرت.
- فلسفی، محمد تقی. (۱۳۶۸). الحدیث - روایات تربیتی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- فواد، افرام البستانی. (۱۳۸۲). فرهنگ المعجم الوسیط، مترجم: محمدبندر ریگی. تهران: اسلامی.
- فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی. (۱۴۰۶ق). الوافی. چاپ اول. اصفهان: کتابخانه امام امیر المؤمنین علی علیه السلام.
- قزائتی، محسن. (۱۳۸۸). تفسیر نور. چاپ اول. تهران: مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن.
- قرشی بنایی، علی اکبر. (۱۴۱۲ق). قاموس قرآن. چاپ ششم. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی (ط - الإسلامیه). محقق / مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی. چاپ چهارم. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۲۹ق). کافی (ط - دار الحدیث). چاپ اول. قم: دار الحدیث.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی. (۱۴۰۴ق). مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول. محقق / مصحح: رسولی محلاتی، سید هاشم. چاپ دوم. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار (ط - بیروت). چاپ دوم. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- مجلسی، محمدتقی بن مقصود علی. (۱۴۰۶ق). روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه (ط - القدیمة). محقق / مصحح: موسوی کرمانی، حسین و اشتهازدی علی پناه. چاپ دوم. قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور.
- مرکز فرهنگ و معارف قرآن. (۱۳۸۲). دایرة المعارف قرآن کریم. چاپ سوم. قم: بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).
- مطهری، مرتضی. (۱۳۵۷). هدف زندگی. تهران: صدرا.
- منسوب به جعفر بن محمد، امام ششم علیه السلام. (۱۳۶۰ش). مصباح الشریعة. ترجمه حسن مصطفوی. چاپ اول. تهران: انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.
- واسطی، عبدالحمید. (۱۳۹۱). نگرش سیستمی به دین. چاپ سوم. مشهد مقدس: انتشارات موسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام.

ضمائم

۱. انسان دارای مراتب چهارگانه مادی، مثالی، عقلی و الهی است. وجود مادی، همان وجودی است که گیاهان هم دارند؛ انسان نیز مانند آنها در این مرتبه از هستی‌اش تغذیه، تنمیه و تولید دارد. وجود مثالی، همان وجودی است که حیوانات هم دارند و انسان نیز مانند آنها در این مرتبه از وجود خود گرفتار شهوت و غضب است (یأکل الطعام و

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

یمنشی فی الاسواق (فرقان: ۷)). وجود عقلی، این مرتبه ناظر به وجود عقلی انسان است که صاحب ادراک و رأی است و انسان با این مرتبه از هستی خود، با معارف الهی مرتبط می‌شود و برای خود تصمیم عاقلانه می‌گیرد و وجود الهی، خود نهانی و نهایی انسان است (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ص ۱۶۵-۱۶۶).

از لحاظ روان‌شناسی، انسان یک سیستم است که مجموعه‌ای درون‌داد (اطلاعاتی که به فرد داده می‌شود) و مجموعه‌ای برون‌داد دارد. اگر شما بتوانید درون‌داد و اطلاعاتی را که به ذهن او وارد می‌شود به نوعی کنترل کنید، تا حدودی می‌توانید رفتار برونی او را هم کنترل کنید. وقتی ورودی یک کارخانه کنترل شود، خروجی آن را نیز در کنترل است. در نبرد نرم، همین کار صورت می‌گیرد. اطلاعات مورد نیازی که ظاهراً مفید است، به فرد داده می‌شود، اما این اطلاعات ممکن است "درست"، "گزینه‌شده" یا "اشتباه" باشد. نهایتاً رفتاری که از فرد منتج می‌شود، رفتاری است که شما مایلید صورت بپذیرد (دکتر امیر محبیان <http://farsi.khamenei.ir>) و <http://bashgah.tebyan.net>

جدول مقایسه دو رویکرد در زیر آورده شده است.

جهت و حیث	رویکرد مادی‌گرایانه	رویکرد جامع‌گرایانه
موضوع	انسان مبتنی بر نیازهای فیزیکی، شیمیایی و مستقل در هستی.	انسان مبتنی بر نیازهای فیزیکی، شیمیایی، روحی، معنایی و متصل به شبکه هستی.
روش شناخت	بنابراین انسان مستقل از هر گونه عامل غیرمحسوس، و آزاد در ارضاء تمایلات است	بنابراین انسان اثرپذیر از عوامل ماورائی و قانونمند در اعمال تمایلات است
هدف انسان	کشف حقیقت، محصور و محدود به روش مشاهده و آزمون‌پذیری هستی است	کشف حقیقت، روش تجربی، برهانی و شهودی (بهره‌گیری از منابع وحیانی) است
	بیشینه‌سازی لذت‌های حسی غیرپایدار	مطلق‌گرایی و ابدیت‌طلبی

۲. برخی تعاریف مطرح شده سلامت آورده شده است که سلامتی را منحصر در ابعاد جسمانی ندانسته‌اند:

«قابلیت ارتباط موزون و هماهنگ با دیگران، تغییر و اصلاح محیط فردی و اجتماعی و حل تضادها و تمایلات شخصی به طور منطقی، عادلانه و مناسب. در نهایت مفهوم بهداشت روانی عبارت است از: "تامین رشد و سلامت روانی فردی و اجتماعی، پیشگیری از ابتلا به اختلال روانی، درمان مناسب و بازتوانی آن" (www.behzisty.com)»

«(esfahan.ir-http://www.ghatreh.com)»

«سلامت» وضعیت بهبودی کامل جسمی، روانی و اجتماعی است و صرفاً به نداشتن بیماری اطلاق نمی‌شود. سلامت روان همچنین با فاکتورهای مختلف اجتماعی _ اقتصادی، بیولوژیکی و محیط زیستی مشخص می‌شود. درواقع

هشتمین کنگرس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

فاکتورهای چندگانه اجتماعی، روانشناسی و بیولوژیکی سطح سلامت روان یک فرد را در هر مرحله از زندگی تعیین می کند (www.2ctor.com).

بنا به تعریف سازمان جهانی بهداشت (WHO) بهداشت روان فقط به معنی نبود بیماری روانی نیست بلکه بیشتر با نوعی سلامت ذهنی ارتباط دارد. افرادی از نظر روانی سالم هستند که احساس کنند به خوبی با زندگی، مسایل و تغییرات آن کنار می آیند. می توانند زندگی خود را تحت کنترل داشته باشند، مسئولیت پذیر باشند. از توانایی های ذهنی خود به خوبی استفاده کنند. با دیگران ارتباط خوب و مناسبی برقرار کنند و به فعالیت های سازنده بپردازند. به طور کلی بهداشت روان علمی است برای بهتر زیستن و رفاه اجتماعی که تمام زوایای زندگی از اولین لحظات حیات جنینی تا مرگ را در بر می گیرد. بهداشت روان دانش یا هنری است که به افراد کمک می کند تا با ایجاد روش های صحیح روانی و عاطفی بتوانند با محیط خود سازگاری نموده و راه حل های مطلوب تری را برای حل مشکلات شان انتخاب نمایند از آنجا که بهداشت روان پایه و اساس رشد انسان است، این حقیقت را باید پذیرفت که مسائل بهداشت روان همراه زندگی است. سلامتی فقط نداشتن بیماری نیست. فرد سالم علاوه بر اینکه بدنی سالم دارد، باید خوشحال و راضی باشد، می تواند دیگران را هم به لذت بردن از زندگی علاقمند نماید، توانایی برخورد با مشکلات، محرومیت ها و شکست ها را دارد، این فرد دیگران را آزار نمی دهد و به زحمت نمی اندازد، چنین فردی را که از نظر جسمی، روانی و اجتماعی طبیعی است و روحیه خوبی نیز دارد، می توانیم سالم بخوانیم. بهداشت روان، با جنبه های رفتاری و عاطفی زندگی روزمره و همچنین روابط بین فردی که می تواند بر روی کیفیت زندگی تاثیر مثبت یا منفی داشته باشد، در ارتباط است (eazphcp.tbzmed.ac.ir).

انسان سالم، کسی است که علاوه بر فقدان علایم بیماری، برای حرکت در مسیر تحقق بیشترین سرمایه و نیروهای بالقوه خویش، در تلاش و تکاپو است. هر چه در این حرکت موفقتر باشد، بهره بیشتری از سلامت دارد. سلامت مفهومی تشکیکی و ذو مراتب است و ممکن است هر کس در مرتبه ای از این فرآیند قرار گیرد و از مراتب بالاتر محروم باشد (حسینی باقرانی، مهدوی راد، ۱۳۹۰، ص ۱۶۷)

۳. نمونه های از روایات جستجو شده: خَمْسُ خِصَالٍ مَنْ لَمْ تَكُنْ فِيهِ خِصْلَةٌ مِنْهَا فَلَيْسَ فِيهِ كَثِيرٌ مُسْتَمْتِعٍ أَوْلَهَا الْوَفَاءُ وَ الثَّانِيَةُ التَّدْبِيرُ وَ الثَّلَاثَةُ الْحَيَاءُ وَ الرَّابِعَةُ حُسْنُ الْخُلُقِ وَ الْخَامِسَةُ وَ هِيَ تَجْمَعُ هَذِهِ الْخِصَالُ الْخُرَيْبِيُّ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۶، ص ۳۸۷ و ج ۷۱، ص ۱۷۵ و ج ۷۵، ص ۱۹۴- ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۲۸۴- شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۵۱)

قَالَ خَمْسُ خِصَالٍ مَنْ فَقَدَ مِنْهُنَّ وَاحِدَةً- لَمْ يَزَلْ نَاقِصَ الْعَيْشِ زَائِلَ الْعَقْلِ مَشْغُولَ الْقَلْبِ- فَأَوْلُهَا صِحَّةُ الْبَدَنِ وَ الثَّانِيَةُ الْأَمْنُ- وَ الثَّلَاثَةُ السَّعَةُ فِي الرِّزْقِ وَ الرَّابِعَةُ الْأَنْبِيَسُ الْمُؤَافِقُ- قُلْتُ وَ مَا الْأَنْبِيَسُ الْمُؤَافِقُ قَالَ الرَّوْجَةُ الصَّالِحَةُ- وَ الْوَلَدُ الصَّالِحُ وَ الْخَلِيطُ الصَّالِحُ- وَ الْخَامِسَةُ وَ هِيَ تَجْمَعُ هَذِهِ الْخِصَالُ الدَّعَّةُ (بحار الأنوار ج ۷۱، ص ۱۸۶، باب ۱۳)

ترجمه: پنج عامل است که اگر هر کدام از آنها نباشد، انسان دائماً گرفتار خواهد بود و فکر و روح متعادلی نخواهد داشت: ۱. سلامتی ۲. امنیت ۳. درآمد مناسب ۴. ارتباطات با محبت و هماهنگ (راوی سؤال می کند که منظور ارتباط با چه کسانی است؟ حضرت پاسخ می دهند: زن، فرزند، دوست و همکاری که اهل خیر و درستی باشند) ۵.

هشتمین کنگرس الگوی اسلامی ایرانی شرف؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دومین و سومین خردادماه ۱۳۹۸

آرامش روحی، که اگر این پنجمی حاصل شود بقیه عوامل نیز فراهم می‌شوند. (پاورقی: نان در اسلام، واسطی، ص ۸۲)

۴. مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده، و با همه دوست و مهربان باش. مبدا هرگز، چونان حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت دانی، زیرا مردم دو دسته‌اند، دسته‌ای برادر دینی تو، و دسته دیگر همانند تو در آفرینش می‌باشند. اگر گناهی از آنان سر می‌زند یا علت‌هایی بر آنان عارض می‌شود، یا خواسته و ناخواسته، اشتباهی مرتکب می‌گردند، آنان را ببخشای و بر آنان آسان گیر، آن گونه که دوست داری خدا تو را ببخشد و بر تو آسان گیرد (دستی، ۱۳۷۹ ش، ص ۵۶۷)

و مهربانی بر رعیت را برای دل خود پوششی گردان و دوستی ورزیدن با آنان را و مهربانی کردن با همگان، و مباح همچون جانوری شکاری که خوردنشان را غنیمت شماری! چه رعیت دو دسته‌اند: دسته‌ای برادر دینی تو، و دسته دیگر در آفرینش با تو همانند. گناهی از ایشان سر می‌زند، یا علت‌هایی بر آنان عارض می‌شود، یا خواسته و ناخواسته خطایی بر دستشان می‌رود. به خطاشان مگر، و از گناهشان در گذر، چنانکه دوست داری خدا بر تو ببخشد و گناهت را عفو فرماید، چه تو برتر آنانی، و آن که بر تو ولایت دارد از تو برتر است (شهیدی، ۱۳۷۸ ش، نامه ۵۳، ص ۳۲۵)

۵. قَالَ النَّعِيمُ فِي الدُّنْيَا الْأَمْنُ وَ صِحَّةُ الْجِسْمِ وَ تَمَامُ النِّعْمَةِ فِي الْآخِرَةِ دُخُولُ الْجَنَّةِ وَ مَا تَمَّتِ النِّعْمَةُ عَلَى عَبْدٍ قَطُّ لَمْ يَدْخُلِ الْجَنَّةَ (ابن بابویه، ۱۴۰۳ ق، ص ۴۰۸ - مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۷۸، ص ۱۷۲ و ج ۹۲، ۱۳۵)

يَا بَنِيَّ لِلْمُؤْمِنِ ثَلَاثُ سَاعَاتٍ سَاعَةٌ يَنَاجِي فِيهَا رَبَّهُ وَ سَاعَةٌ يُحَاسِبُ فِيهَا نَفْسَهُ وَ سَاعَةٌ يَخْلُو فِيهَا بَيْنَ نَفْسِهِ وَ لَدَّتْهَا فِيمَا يَجِلُّ وَ يُحَمَدُ وَ لَيْسَ لِلْمُؤْمِنِ بُدٌّ مِنْ أَنْ يَكُونَ شَاخِصًا فِي ثَلَاثِ مَرْمَةٍ^۷ لِمَعَاشٍ أَوْ خُطُوءٍ لِمَعَادٍ أَوْ لَذَّةٍ فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ وَ ... (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱، ص ۸۸ - طوسی، ۱۴۱۴ ق، ص ۱۴۷، احمدی میانجی، ۱۴۲۶ ق، ج ۲، ص ۲۳۹ - اربلی، علی بن عیسی، ۱۳۸۱ ق، ج ۱، ص ۳۸۵)

علی العاقل ان يكون له ساعة يناجي فيها ربه و ساعة يتفكر فيها صنع الله و ساعة يحاسب فيها نفسه و ساعة يتخلى فيها لحاجته من حلال و علی العاقل ان لا يكون ساعيا الا في ثلاث تزود لمعاد و مرمة لمعاش او لذة غير محرّم و علی العاقل ان يكون بصيرا بزمانه مقبلا علی شأنه حافظا للسانه.

و بر شخص عاقل است که بوده باشد برای او ساعتی که در آن با خدای خود مناجات کند، و ساعتی که در آن در مصنوعات خدا فکر کند و ساعتی که در آن به حساب خود برسد، و ساعتی که در آن خلوت کند و به حاجتهای خود از راه حلال برسد. و بر عاقل است که کوشش او نباشد مگر در سه چیز یا بهره‌برداری برای معاد خود، یعنی انجام عبادات و خدمت به خلق یا اصلاح کردن امر معاش و لوازم زندگی خود و کسانی که تحت سرپرستی او می‌باشند یا

^۷ الرّم: إصلاح الشيء الذي فسد بعضه من نحو حبل يبلى فترّمه أو دار ترم شأنها مرمّة. رميم: استخوان پوسیده. «مَنْ يُحِي الْعِظَامَ وَ هِيَ رَمِيمٌ. يس: ۷۸» (قرشی بنایی، ۱۴۱۲ ق، ج ۳، ص ۱۲۴).

هشتمین کنگره‌س الگوی اسلامی ایرانی شرف؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

لذتی که حرام نباشد. و بر عاقل است که به زمان خود بینا باشد و شؤون و شخصیت خود را حفظ کند و زبان خود را حفظ و نگهداری کند (دیلمی، ۱۳۷۶، ص ۲۹۵).

فی وصیة النبی صلی الله علیه و آله لعلی (ع) قال یا علی: لا ینبغی للرجل العاقل ان ینبغی لظاعنا آلا فی ثلاث مرمة لمعاش او تزود لمعاد او لذة فی غیر محرّم.

رسول اکرم (ص) در وصایای خود بعلی علیه السلام فرموده:

سزاوار نیست انسان عاقل بسفر برود مگر برای سه منظور یا برای تجارت و تحصیل درآمد و اصلاح معاش یا برای نیل بکمالات معنوی و تعالی روح و ذخیره معاد یا برای تفریح و تفرج و جلب لذات مباح. (فلسفی، ۱۳۶۸، ج ۳، ص ۳۶۸)

لنّبی «ص» - فیما نقله «ص» عن صحف ابراهیم «ع» لأبی ذرّ الغفاری: علی العاقل أن (لا) ینبغی لظاعنا آلا فی ثلاث: تزود لمعاد، أو مرمة لمعاش، أو لذة فی غیر محرّم.

پیامبر «ص» - به نقل از صحف ابراهیم «ع»، برای ابو ذر غفاری: بر خردمند لازم است که جز برای سه چیز کوچ نکنند (و به تلاش نپردازد): ذخیره کردن برای معاد، یا بهبود بخشیدن به معاش، یا لذت بردن از چیزی حلال (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۵، ص ۴۳۸)

قال قال الصادق ع مَطْلُوبَاتُ النَّاسِ فِي الدُّنْيَا الْفَانِيَّةُ أَرْبَعَةٌ الْعِنْيُ وَ الدَّعَةُ وَ قِلَّةُ الْإِهْتِمَامِ وَ الْعِزُّ فَأَمَّا الْعِنْيُ فَمَوْجُودٌ فِي الْفَنَاءِ فَمَنْ طَلَبَهُ فِي كَثْرَةِ الْمَالِ لَمْ يَجِدْهُ وَ أَمَّا الدَّعَةُ فَمَوْجُودٌ فِي خِيفَةِ الْمَحْمِلِ فَمَنْ طَلَبَهَا فِي ثِقَلِهِ لَمْ يَجِدْهَا وَ أَمَّا قِلَّةُ الْإِهْتِمَامِ فَمَوْجُودَةٌ فِي قِلَّةِ الشُّغْلِ فَمَنْ طَلَبَهَا مَعَ كَثْرَتِهِ لَمْ يَجِدْهَا وَ أَمَّا الْعِزُّ فَمَوْجُودٌ فِي خِدْمَةِ الْخَالِقِ فَمَنْ طَلَبَهُ فِي خِدْمَةِ الْمَخْلُوقِ لَمْ يَجِدْهُ (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۷۰، ص ۹۳)

۶) «کفی»: کفایت بمعنی بی‌نیازی است «کفی الشیء کفایة» یعنی بواسطه آن بی‌نیازی حاصل شد در مجمع آمده: «الکفایة بلوغ الغایة فی مقدار الحاجة». فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ بقره: ۱۳۷. خدا تو را از آنها کفایت می‌کند بتو آزاری نمی‌رساند خدا شنوا، داناست (قرشی بنایی، ۱۴۱۲ ق، ج ۶، ص ۱۳۴-۱۳۵) «ما فیہ سدّ الخلة و بلوغ المراد فی الأمر» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ص ۷۱۹). كَفَى يَكْفِي كِفَايَةً، إِذَا قَامَ بِالْأَمْرِ. وَ اسْتَكْفَيْتُهُ أَمْرًا فَكَفَانِيهِ. وَ كَفَاكَ هَذَا، أَي: حَسِبَكَ (فراهیدی، ۱۴۰۹ ق، ج ۵، ص ۴۱۳). الكفاف من الرزق: رزق و روزی به اندازه، نه کم و نه زیاد (لیتینی أخرج من هذا کفافاً: کاش من از این مطلب طوری بیرون می‌آمدم که نه زیان می‌کردم نه سود) (افرام البستانی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۱۶۸۸) و آن مقدار از خوراک و روزی که شخص را از سؤال بی‌نیاز کند (اتابکی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۲۲۲۹-۲۲۳۰ ادیب نطنزی، ۱۳۸۴، ص ۶۵۸)

کفاف همراه متغیرهای دیگری آورده شده است. مانند اسراف، اقتصاد، صبر، انفاق.

«وَ قَالَ ع مَا فَوْقَ الْكُفَافِ إِسْرَافٌ (غرر الحکم و درر الکلم، ص ۳۵۹)

وَ قَالَ ع كُلُّ مَا زَادَ عَلَى الْإِفْتِصَادِ إِسْرَافٌ (مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۲۷)

بشتمین کتیراس الکوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الکوی پیشرفت؛ پشیران، جالش با الزامات تحقق؛ بیت و دووم و بیت و سوم خردادماه ۱۳۹۸

وَ مِنْهُ بِهَذَا الْإِسْنَادِ قَالَ طَوْبِي لِمَنْ رَزِقَ الْكَفَافَ ثُمَّ صَبَرَ عَلَيْهِ (بحار الأنوار، ج ۶۹، ص ۶۸)

وَ قَالَ ص وَ إِنَّ أَفْضَلَ النَّاسِ عَبْدٌ أَخَذَ مِنَ الدُّنْيَا الْكَفَافَ وَ صَاحَبَ فِيهَا الْعَفَافَ وَ تَزَوَّدَ لِلرَّحِيلِ وَ تَاهَبَ لِلْمَسِيرِ (بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۲۷)

وَ نَعُوذُ بِكَ مِنْ تَنَاوُلِ الْإِسْرَافِ، وَ مِنْ فِقْدَانِ الْكَفَافِ وَ نَعُوذُ بِكَ مِنْ شِمَاتِهِ الْأَعْدَاءِ، وَ مِنْ الْفَقْرِ إِلَى الْكَفَافِ، وَ مِنْ مَعِيشَةٍ فِي شِدَّةٍ، وَ مَيْتَةٍ عَلَى غَيْرِ عُدَّةٍ. وَ نَعُوذُ بِكَ مِنَ الْحَسْرَةِ الْعُظْمَى، وَ الْمُصِيبَةِ الْكُبْرَى، وَ أَشْقَى الشَّقَاءِ، وَ سُوءِ الْمَآبِ، وَ حِرْمَانِ الثَّوَابِ، وَ حُلُولِ الْعِقَابِ (الصحيفة السجادية، ص ۵۷ - ۵۸)

قَالَ قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا لِيُنْفِقَ الرَّجُلُ بِالْقَصْدِ وَ بُلْغَةِ الْكَفَافِ وَ يُقَدِّمُ مِنْهُ فَضْلاً لِأَخْرَجَتْهُ فَإِنَّ ذَلِكَ أَبْقَى لِلنَّعْمَةِ وَ أَقْرَبُ إِلَى الْمَزِيدِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَنْفَعُ فِي الْعَافِيَةِ (الكافي، ج ۴، ص ۵۲)

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَا أَبَادَرُّ إِنِّي قَدْ دَعَوْتُ اللَّهَ جَلَّ ثَنَاؤُهُ أَنْ يَجْعَلَ رِزْقَ مَنْ يُحِبُّنِي الْكَفَافَ وَ أَنْ يُعْطِيَ مَنْ يُبْغِضُنِي كَثْرَةَ الْمَالِ وَ الْوَلَدِ (مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۲۳)

وصية أمير المؤمنين: وَ لَا مَالَ أَذْهَبُ بِالْفَاقَةِ مِنَ الرِّضَا بِالْقُوَّةِ وَ مَنْ افْتَصَرَ عَلَى بُلْغَةِ الْكَفَافِ تَعَجَّلَ الرَّاحَةَ وَ تَبَوَّأَ حَفْصَ الدَّعَةِ (بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۲۴۰).